

# ختم پر آوازه و تداوم بی سروصدا

## پایان نبرد یا آغاز فصل جدید درگیری؟

درین مقطع قبل از طرح سایر مسائل، ذکر این مسأله شایان اهمیت میباشد که همه دست اندرکاران امور مسایل بین المللی چنین سوالی را مطرح مینمایند: آیا اکنون که ایالات متحده جنگ آن کشور و متحدانش را در سرزمین افغانستان خاتمه یافته پنداشت، آیا واقعاً چنین است؟ آیا به ختم موفقانه جنگ نایل گردیده و جنگ را «مسوولانه» پشت سر گذاشت؟ آیا این جنگ سیزده ساله به ختم منطقی و پیروزمندانه انجامید؟

چندی قبل بارک اوباما اظهار داشت که سربازان کشورش، بالاخره پس از سیزده سال مبارزه با ترور، بخانه باز میگردند. این اظهارات در حالی صورت میگیرد و نظامیان خارجی سرزمین افغانستان را در حالی ترک نموده و یا در حال ترک کشور ما میباشند که هنوز خطر تروریسم رفع نگردیده و اصل ترور و دهشتگرایی با تمام قوت در کشور عملاً موجود میباشد.

یگانه تفاوت پس از «ترک» افغانستان، اینست که بیش از این ایالات متحده بصورت رسمی در قلمرو کشور ما به اجرای عملیات نظامی مبادرت نخواهد ورزید، بلکه عملیات نظامی را ناتو طبق قرار دادیکه با دولت افغانستان عقد نمود (قرار دادیکه اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان با نمایندگان «ائتلاف» در ماه سپتامبر سال قبل امضا نمود)، انجام خواهد داد.

رئیس جمهور افغانستان اظهار داشت که پس از سیزده سال وابستگی به قوای نظامی خارجی، کنون نیروهای امنیتی افغانستان میتوانند مسوولیت تأمین امنیت در کشور را بر عهده گیرند.

اما این واقعیت را در نظر باید داشت که همه با خاطر جمعی و آرامش خاطر به خانه هایشان بر نمیگردند، چون خطر بنیادگرایی هنوز از بین نرفته، همچنان زنده بوده و گردانندگان آن به سازماندهی نیروها و اجرای پروگرامهایشان سرگرم و مشغول میباشند که با در نظر داشت چنین یک وضعیتی، به یقین کامل که افغانستان بمقایسه ده سال قبل، محل ناگوار و ناامنی خواهد بود.

بارک اوباما ادعا نمود که ایالات متحده، جریان تحویلدهی مسوولیتهای امنیتی به نیروهای افغان را موفقیت و دستاوردی برای کشورش محسوب مینماید، اما به بار معنایی تمامی مفاهیم ذکر شده توسط رئیس جمهور اوباما، باید توجه جدی نمود. سربازان امریکایی پس از این در درگیریهای مستقیم با مخالفان مسلح سهم نخواهند گرفت، اما این مسأله را باید خاطر نشان ساخت که در طول مدت زمان

موجودیت قوای خارجی در افغانستان، نیروهای ائتلاف آنچنان که لازم بود در امر مبارزه علیه مخالفان مسلح، مطابق واقعیت‌های موجود جامعه ما، درست عمل نکرده و در بسیاری از حوادث، بعوض مبارزه موثر علیه تروریستان و دشمنان صلح و ثبات افغانستان، علیه مردمان ملکی بانجام اقدامات زیانبار و هلاکتباری متوسل گردیدند. رهبران نظامی ایالات متحده، این واقعیت را پنهان نمی نمایند که علیه هر نیرویی که در آینده منافع ایالات متحده امریکا و متحدینش را در هرکجایی از جهان مورد خطر و تهدید قرار دهد، به اقدامات و عملیات نظامی متوسل خواهند شد.

ایالات متحده از منافع نظامی اش در قاره آسیا امتناع نمی ورزد و بزودی تغییراتی در نحوه و طرز اجرای تمامی مسوولیت‌های تاکتیکی اش در افغانستان مطرح بحث قرار خواهد گرفت، کابل یگانه محلی خواهد بود که در آن میتوان از موجودیت قوای نظامی حرفی بمیان آورد. بایست یادآور شد که جنگ ایالات متحده در افغانستان، بطور کلی، بیشتر از این، بنحو گذشته نبوده بلکه با شیوه‌ها و تاکتیک‌های جدیدی تداوم حاصل خواهد نمود.

در واقعیت امر، یادآور باید شد که عموسام، بهیچوجه در صدد آن نبوده و نخواهد بود تا از سرزمین افغانستان دل برکند و از کشور ما رخت سفر بر بندد، بلکه در صدد آن میباشد که باساس و بنیاد قوی دیگری دست یابد تا با نفی جوابگویی ممکن استفاده از قوه، خود در پتوی گرم امنیتی خزیده و بطور کلی از بسا مسائل خاطر جمعی برایش دست دهد، اما در چنین یک وضعیتی و با استفاده و کاربرد چنین وسائل و شیوه‌ها، اصل دفاع از منافع واشنگتن، به یقین که عواقب ناخواسته و پیشبینی نشده ای برای ایالات متحده امریکا و امریکاییان در قبال خواهد داشت.

چنانچه در سطور قبلی گفته آمد، از تاریخ اول جنوری سال روان، قوای نظامی ایالات متحده، تحت نام ناتو به فعالیت‌های محاربوی ادامه میدهد. عملیات «پشتیبانی قاطع» و مقیاس عملکرد ناتو در افغانستان طی قرار داد وضعیت نیروها و تفاهمنامه همکاری‌های نظامی که چندی قبل توسط نماینده حکومت حدت ملی و نماینده ملکی ناتو در افغانستان (بتاریخ ۳۰ ماه سپتامبر سال ۲۰۱۴) و پیش از خروج نیروهای نظامی امریکایی از افغانستان به امضا رسید، مسجل گردیده است.

کسانی هم با شک و تردید به جریان وسیر حوادث در افغانستان نگاه می نمایند، اما باید بدانند که چنانچه پنتاگون تاریخ اول ماه جنوری را بمثابة آغاز عملیات وسیع علیه مخالفان مسلح تعیین نمود، حملات خونین «طالبان» در ولایت هلمند بوقوع پیوست. همه بیاد دارند چنانچه مقامات مسوول طی گردهمایی در کابل مصروف استقبال از ختم مأموریت جنگی نیروهای امریکایی بودند، مخالفان مسلح محفل عروسی مردمان ملکی را در ولسوالی سنگین مورد حمله قرار دادند که در نتیجه باعث بخاک و خون کشیدن ۲۹ تن شامل زنان و اطفال گردید.

در عین زمان، رئیس جمهور کشور خطاب ب مردم افغانستان اظهار داشت که ختم مأموریت جنگی ناتو در افغانستان و سپردن مسوولیت‌های امنیتی بجانب افغانی و اجرای عملیات‌های نظامی و امر دفاع از امنیت شهروندان افغانستان توسط نیروهای امنیتی افغان را بمثابة موفقیت و پیروزی مردم کشورش تلقی مینماید. نامبرده اضافه نموده افزود که در طول مدت سیزده سال، بعلت موجودیت معضلاتی در منطقه و جهان، مسأله تأمین امنیت در کشور، رسالت جمعی و مشترک ما و دوستان بین المللی ما محسوب میگردد، اما اکنون، مسأله تأمین امنیت و مبارزه با هراس افکنان، بصورت یک کل، رسالت و وظیفه مبارزان افغان بوده و این مسوولیت سترگ و عظیم بدوش نظامیان افغان، بمثابة مدافعین صلح و ثبات

افغانستان قرار دارد. نامبرده ادامه داده افزود که مگر ما تنها نیستیم، بلکه باخود متحدینی داریم، ما در موضع دفاع از منافع و مصالح مردم خویش صادقانه قرار داریم.

قابل یادآوری میباشد که درچنین موقعیت زمانی که افغانستان به توسعه حق حاکمیت وکنترول حدود و ثغورش بیش ازهرموقع دیگر نیاز دارد، بیشتر از این، ضرورت قیمومیت جامعه جهانی اصلاً مطرح بحث نبوده و بصورت دقیق آن، نباید اصل آزادی و خود ارادیت افغانستان تحت الشعاع قرار گیرد. قابل یادآوری میباشد که ایالات متحده همراه با ناتو و با جمع نیروها و تشکیلات عریض و طویل نظامی و همراه و همگام با دستگاه سیاست خارجی اش، بمثابه یک مجموعه، در صدد آن میباشد تا درنهایت امر، بمنظور حفظ منافع ستراتیژیک و حیاتی اش، بر افغانستان و درغیر آن حداقل بر کابل تسلط کامل نظامی و حربی اش را حفظ نماید.

## نَوامیرِ یالیسم

میتوان ادعا نمود که قرار است تا افغانستان بمثابه همدست گوش بفرمان در «بازی بزرگ» همچنان باید حفظ گردد تا قدرتهای خارجی با سوو استفاده از موقعیت کنونی و وضعیت موجود کشورما، تأمین و حفظ منافع حیاتی شانرا تضمین نمایند. چنانچه این واقعیت مسلم بهمگان واضح و روشن میباشد که جنگ کنونی در افغانستان، جنگ ما افغانها نیست، بلکه جنگ منافع و مصالح حیاتی خارجی ها در افغانستان میباشد. اما صد افسوس و متأسفانه که در هر دو طرف جنگ کنونی که بر ما تحمیل گردیده، افغانها بمفهوم وسیع کلمه از زندگی ساقط میگردند. افغانها در بیشتر از سه دهه است که در دام بازیهای شیطانی قدرتهای طاغوتی عصر گیر افتاده اند.

ایالات متحده امریکا بمنظور دستیابی به اهداف مورد نظر و تحقق پروگرامهای ترتیب شده در واشنگتن و بروکسل، کلیه هم خود را بخرچ داده و اما مسأله دفاع از منافع حیاتی کشور و دفاع و پشتیبانی از مردم و باشندگان میهن عزیز ما افغانستان که توسط واشنگتن و متحدینش عنوان میگردد، ادعای میان تهی بوده و جز بمفهوم خاک زدن به چشم مردم و تعقیب پل پای تروریستان و آدمکشان سده ۲۱، بارمعنایی دیگری ندارد.

درچنین شرایطی، مقامات امریکایی، بمنظور زدایش عواقب فعالیتهايشان در صدد آن شدند تا بدیگران عملاً این مسأله را الفأ نمایند که کشور مطبوع شان نه تنها در جهت برآورده شدن منافع و خواستههای امپریالیستی کشورشان، بلکه بمنظور حفظ و نگهداشت صلح جهانی(!) به افغانستان لشکرکشی نمودند.

بتاریخ ۲۸ ماه دسامبر سال پار، رئیس جمهور ایالات متحده، از موثریت موجودیت سیزده ساله ایالات متحده در افغانستان طی سخنرانی اش یادآور شد که مردانگی نظامیان امریکایی و هوشیاری و ظرافت دیپلوماتیک، همراه با متحدین ناتو و همکاران بین المللی، سبب شد تا رسالت جنگی و رزمی نیروهای خارجی به پایان رسیده، در افغانستان انتخابات صورت گرفته و نیز انتقال مسالمت آمیز قدرت در کشور افغانها موفقانه انجام گیرد. اما رئیس جمهوری نامبرده این واقعیت سرسخت را اصلاً بزبان نیآورد که علت اصلی جنگها در گوشه و کنار جهان و از جمله قتل و کشتار اهالی ملکی شامل زنان و اطفال در افغانستان، نتیجه جاه طلبیهای ایالات متحده و هم پیمانانش میباشد.

همچنان در ماه مارچ سال ۲۰۱۲، زمانیکه رابرت تیودکی، بریدمن نیروهای نظامی ایالات متحده، با خشم و انتقام، به قتل شانزده تن از افراد ملکی مبادرت ورزید، جلوگیری و ممانعت و ابا ورزیدن از سپردن نامبرده به محاکم حقوقی و عدلی افغانستان، مسأله تفوق حقوقی ایالات متحده را عملاً باثبات رسانیده که در نتیجه، برای بریدمن نامبرده، مصونیت جنگی قایل گردیدند.

در نهایت، حق تعیین شده (!) تمامی امپراطوریهها که توسط مجریان و فرماندهان نخست آنها تعیین و مشخص میگردد، شامل هیچ نوع قانونی نبوده، مسوولیت را در هیچ زمینه ای نپذیرفته و بدون نورمهای تعیین شده خودش، به کلیه نورمهای حقوق بین الدول پشت پا میزند، اینست رعایت اصول و موازین اعلامیه حقوق بشر که ایالات متحده امریکا نیز یکی از جمله امضا کنندگان و مدعی دفاع از آن میباشد.

ایالات متحده، مانند سایر قدرتهای امپریالیستی، چنین میپندارد که هیچ زمانی و در هیچ مقطعی، کشوری که مورد تهاجم و حمله کشور دیگری قرار میگیرد، نمیتواند این اقدام را بمفهوم تجاوز تلقی نماید. اما از این واقعیت مسلم در اصول و مبانی سیاست بین المللی طفره میروود که ماهیت و واقعیت امر انجام شده باید مورد محاسبه قرار گرفته و ویژگیهای ممنوع در مناسبات بین المللی را باید مطمح نظر قرار داد.

در فرجام، ذکر این مسأله شایان اهمیت میباشد که همه دست اندرکاران مسایل امور بین المللی چنین سوالی را مطرح مینمایند که آیا اکنون که ایالات متحده، جنگ آن کشور و متحدانش را در سرزمین افغانستان خاتمه یافته پنداشت، آیا واقعاً به ختم موفقانه جنگ نایل گردیده و جنگ را «مسوولانه» پشت سر گذاشت؟ آیا این جنگ سیزده ساله به ختم منطقی و پیروزمندانه انجامید؟